

متن پرسش

با سلام استاد طاهرزاده: در کتاب انسان آنگونه که باید باشد نیچه یک جمله شگفت انگیز وجود دارد «بله گفتن به زندگی، حتی در عجیب ترین و دشوار ترین مسائل آن_ اراده به زندگی و به وجد آمدن از قدرت بی پایان آنست، برای قربانی کردن والاترین انواع خودش!!! من این را پیروی از غریزه نامیدم.... این پل من است» بنظر مبارکتان این را می‌شود با آیات که دستور «انفاق از آنچه رزقتان» شده است تطبق کرد؟ آیا قربانی کردن آنچه از زندگی و توسط اراده حضرت زنده گی به ما دستور است، با کلام نیچه سازگاری ندارد؟ این افق همان اشاره نورانی شما در تفسیر الضحی اخیر (دیروز) مبنی بر نماندن در ایمان دیروز، نیست؟ والضحی و الیل اذا سچی هم چنین افقی نمی‌گشاید که واضح است که این شب سجیه و شکل و صورت و عادت و خوگرفتن و اعتیاد را زایده؟ این «سچی_عادت و خو و طبیعت موجود در ذات الیل» نیست که ما را در توهم وداع حقیقت می‌کشاند؟ که حقیقت ما را یتیم گذاشته در حالیکه این سجیه موجود در تاریکی ذهن ماست! و آیا این راهکار حضرت حق نیست که می‌فرماید «وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ» آیا معرفی «ضال» بعنوان سرمایه رویت نیست؟ این چارق و پوستین ایاز من و ما نیست که هر لحظه باید قربانی معرفتی شود؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چرا که نه! آری همانطور که به خوبی متوجه شده اید دغدغه نیچه در مقابل نوعی کاتولیک نگاهی دین همین است و اگر ظلماتی و یا بگو ضلالتی به سراغ ما آمد به آن معنا است که بخواهیم و نخواهیم، آن نوع بودن ما را به این نوع گرفتاری می‌کشاند تا باز آغازی به میان آید و حضوری که در آن دیروزمان اگر برای رونق بخشی به دیروزمان ما را به آرامش می‌کشاند، چرا در امروز به آن دیروز آویزان شده ایم؟ همانطور که نیچه می‌گوید آری! این سخنان نابهنگام است. ولی اگر نسبت به فردای مان درست نیندیشیم، امروزمان را از دست خواهیم داد. بگذار باز «هنوزنگفتنی ها به بهانه ای گفته شود» و اتفاقاً همانطور که خودتان پیش بینی کرده اید امید است به لطف الهی خداوند در سوره انشراح با ما سخنها بگوید. موفق باشید